



۸. اشاره امام به کلام مرحوم محقق شیرازی (شیخ محمد تقی) است. کلام ایشان چنین است:

«لا يخفى انّ ارادة الغناء من قول الزور ليست باعتبار استعمال هذا المركب الإضافي في الغناء مجازا لوضوح عدم مناسبة عرفية ظاهرة مصححة لهذا الاستعمال كما هو (-ظ-) و (-ح-) فتفسير قول الزور بالغناء يحتمل ان يكون من قبيل التأويل و تفسير الباطن كما ورد تأويل بعض الآيات الواردة في جهاد الكفار بأهل صفين و النهروان و يحتمل ان يكون ذلك عن تفسير (-الظ-) و شرح المراد من اللفظ و ذلك اما بان يكون المراد من الغناء الكلام الذي يتغنى به المشتغل على المعاني الباطلة كهجاء المؤمنين و مدح الظالمين و الاستهزاء و السخرية بالناس و نحوها من المعاني الباطلة و اما بان يكون قول الزور من قبيل اضافة الموصوف إلى الصفة يعنى لمقولة المتصف بالزور و يراد من الزورية الأعم من الزورية بحسب المعنى كالكذب و الهجاء و نحوها أو بحسب كيفية الأداء كالکلام الذي يتغنى به و ان لم يكن له معنى باطل على سبيل منع الخلو.»^۱

توضیح:

۱. اگر از قول الزور، غنا اراده شده است از این باب نیست که این ترکیب، در غنا استعمال شده است از نوع استعمال مجازی.
۲. چراکه این مجاز محتاج علاقه است و چنین علاقه ای موجود نیست.
[ما می گوئیم: علاقه ملازمت که مرحوم خوبی می گفتند، موجود است]
۳. لذا ممکن است تفسیر قول زور به غنا در کلام ائمه، از باب تأویل باشد.
۴. و ممکن است که سخن ائمه، تأویل نباشد بلکه تفسیر ظاهر آیه باشد که این خود دو نوع است یا امام ع می گویند مراد از «قول زور» عبارت است از قول مشتمل بر معنای باطل، و یا امام (ع) می گویند «قول زور» اضافه موصوف به صفت است یعنی «گفته شده دارای صفت باطل»
[ما می گوئیم: امام همین معنای دوم را، اخذ کرده اند و آن را «قول مشتمل بر باطل» دانسته اند پس ایروانی، «اضافه موصوف به صفت» در مقابل «قول مشتمل» قرار داده شده است، در حالیکه امام قول مشتمل را به معنای «قول مشتمل بر مضمون باطل» ندانسته اند بلکه مرادشان از «قول مشتمل بر زور» همان اضافه موصوف به صفت است.]

۱. شیرازی، میرزا محمد تقی، حاشیه المکاسب (للمیرزا الشیرازی)، ج ۱، ص ۸۹.



۵. طبق این احتمال، «زور» اعم از زور معنایی و زور کیفی است.

مرحوم شیرازی سپس بین این دو نوع تفسیر فرق می گذارد:

«و الفرق بين المعنيين الأخيرين ان المراد بالغناء على أولهما هو ما اجتمع فيه من القول الباطلة بحسب المعنى و التّعنى بحسب كيفة الأداء فلا يدلّ على حرمة القول من الحيثية الثانية مجردة حتى يثبت به حرمة الغناء من حيث هو حتى لو فرض تحقّقه في ضمن كلام حقّ بحسب المدلول كما هو المدعى بخلاف المعنى الثاني فإن المتحصّل فيه إرادة الأعمّ ممّا اجتمع فيه الاعتباران أو ما تحقّق فيه أحدهما فيدلّ على حرمة الكلام الزور بحسب كيفة الأداء و ان كان حقّا بحسب المعنى و هو عين المدعى.»^۱

توضیح:

۱. اگر گفتیم قول زور یعنی قول مشتمل بر زور، در این صورت غنا یعنی آنچه هم محتوای باطل باشد و هم کیفیت باطل.

۲. و لذا اگر غنا، محتوای باطل نداشت، حرام نیست.

۳. ولی اگر گفتیم قول زور یعنی «گفته شده باطل»، در این صورت معنا اعم است از جایی که هم مضمون باطل است و از جایی که کیفیت باطل است.

۴. پس کیفیت باطل مطلقاً حرام است.

مرحوم شیرازی سپس به مطلب دیگر اشاره می کنند:

«نعم قد يكون ذلك أخصّ من المدعى باعتبار عدم شموله للتّعنى بمفرد غير مركّب بناء على ارادة الكلام من القول في المقام و ان كان معناه بحسب ما ذكره النّحاة هو مطلق اللفظ الموضوع و كذا التّعنى بلفظ مهمل لكنّ الأخصيّة من هذه الجهة غير ضائرة للعلم ببطلان القول بالفصل من هذه الحيثية و اما بناء على المعنى الأوّل فالمتحصّل عين المدعى حتى بحسب الإطلاق و العموم فانّ المدعى فيه ارادة مطلق الغناء من قول الزور بحسب التّأويل بمقتضى تلك الاخبار.»^۲

۱. شیرازی، میرزا محمد تقی، حاشیه مکاسب (للمیرزا الشیرازی)، ج ۱، ص ۸۹.

۲. شیرازی، میرزا محمد تقی، حاشیه مکاسب (للمیرزا الشیرازی)، ج ۱، ص ۹۰.



توضیح:

۱. اگر گفتیم قول زور، یعنی «گفته شده متصف به باطل»، آیه نمی تواند شامل الفاظ مفرد (مثلاً یک نفر فقط بگوید «وای») نمی شود چراکه «قول»، لفظ مفرد نیست. (بلکه یعنی کلام)
۲. ولی اخص بودن از این حیث ضرری نمی زند چراکه می توان آن را هم با اجماع مرکب داخل در غنای حرام کرد.



درس خارج فقه ائمه سید حسن خمینی

